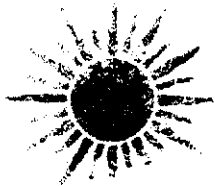
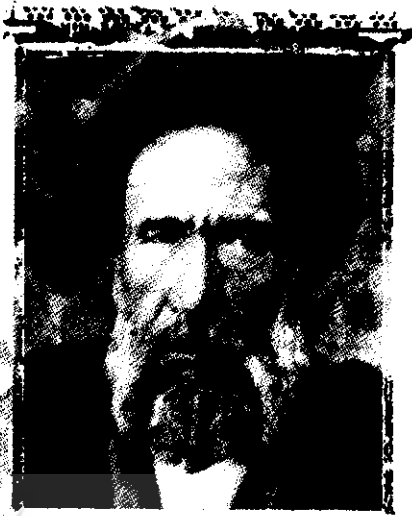


# شهید مدرّس مبلغ مجاهد



معصومه رضوانی پور



## دیباچه

سید حسن قمشه‌ای افسه‌ای، مشهور به «مدرّس» از علما، مبلغان و نمایندگان برجسته و مبارز ضد استبدادی مجلس شورای ملی ایران در قرن چهاردهم هجری بود که یاد مبارزات و پایمردیهای او در مقابل استبداد و استعمار خصوصاً رضاخان پهلوی جاودان مانده است.

زادگاه این عالم مجاهد و خستگی ناپذیر، یعنی روستای «سرابه» در ۱۰ کیلومتری شرق اردستان واقع شده است. این روستا در منطقه‌ای کوهستانی است که در آن همه اهالی به

وجود شهید مدرّس افتخار می‌کنند. شهید آیه الله سید حسن مدرّس در سال ۱۲۷۸ ه. ق در این روستا به دنیا آمد و با الهام از مکتب اسلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام به سیاستمداری مبارز تبدیل شد. وی سرسخت‌ترین مخالف جدایی دین از سیاست بود و بر همین اصل، در دوران مبارزه خود در مجلس با افکار و اندیشه‌های رضاخانی به مخالفت پرداخت.

شهید مدرّس که چندین بار از ترور مخالفان جان سالم بدر برد، با خصومت رضاخان دستگیر و پس از چندین سال تبعید، در دهم آذر سال

نکرد و قیام را بر قعود رجحان داد تا تفضّل الهی شامل حالش گردد. ایشان، در تمامی مدت عمرش ساده‌زیستی، تواضع، قناعت و به دور بودن از هرگونه رفاه طلبی را شیوه زندگی خویش ساخت و از طریق عبادت و دعا و راز و نیاز با خدا، کمالات معنوی را کسب کرد و به همگان شیوه راستین تبلیغ عملی دین را آموخت.

#### مدرّس در میدان تحصیل

شهید سید حسن مدرّس رحمته الله علیه پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاه خویش، در سال ۱۲۹۸ ه. ق به منظور ادامه تحصیل در زمینه علوم دینی، رهسپار اصفهان گردید و به مدت سیزده سال در حوزه علمیه این شهر، محضر بیش از سی استاد را درک کرد. مقدمات ادبیات عرب و منطق و بیان را نزد اساتیدی چون میرزا عبدالعلی هرنندی آموخت. در محضر آخوند ملا محمد کاشی کتاب شرح لمعه در فقه و پس از آن قوانین و فصول را در علم اصول تحصیل نمود. یکی از اساتید

۱۳۱۶ ه. ش به دست دژخیمان رژیم منفور پهلوی به شهادت رسید. پیکر پاک او در کاشمر از توابع خراسان محل تبعیدگاه وی به خاک سپرده شد. مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۲ ه. ش با تصویب ماده واحده‌ای، دهم آذر ماه، سالروز شهادت مبلغ و ارسته، مجتهد مجاهد و سیاستمدار متعهد آیه الله سید حسن مدرّس را به عنوان روز مجلس نامگذاری کرد.

این نوشتار، اشاره‌ای کوتاه به زندگی ابرمردی است که بیرق مبارزه را به تنهایی در شرایطی بسیار سخت به دوش کشید و شجاعت تحسین برانگیزش بیگانگان را به تحیر واداشت. اگر ما به ذکر نامش می‌پردازیم و خاطره‌اش را ارج می‌نهیم، بدان علت است که وی مبلغی پایدار و مجاهدی ثابت قدم بود که با تأسی به شریفه «فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup> «خداوند، مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.» لحظه‌ای با استبداد و استعمار سازش

حاج سید ابوالحسن اصفهانی و آیه الله حاج سید علی کازرونی انجام می داد. وی پس از هفت سال اقامت در نجف و تایید مقام اجتهاد او از سوی علمای این شهر، در سال ۱۳۱۸ ه. ق در چهل سالگی از راه ناصریه به اهواز و از آنجا به منطقه چهارمحال و بختیاری رفت و سپس راهی اصفهان گردید.<sup>۱</sup>

#### مدرّس در عرصه تدریس

شهید مدرّس در اصفهان، صبحها در مدرسه جده کوچک (شهید مدرّس فعلی) درس فقه و اصول و عصرها در مدرسه جده بزرگ درس منطق و شرح منظومه می گفت و در روزهای پنجشنبه طلاب را با چشمه های زلال حکمت نهج البلاغه آشنا می نمود. تسلط وی به هنگام تدریس در حدی بود که از این زمان به «مدرّس» مشهور گشت. وی همراه با تدریس، با منطق و استدلال به مقابله با عوامل ظلم به مردم برخاست و با اعمال و رفتار

بزرگواری که حکمت، فلسفه و عرفان به وی آموخت، حکیم نامدار میرزا جهانگیرخان قشقایی بود.

مدرّس در طول این مدت، در حضور آیات عظام: سید محمد باقر درچه ای و شیخ مرتضی ریزی و دیگر اساتید به درجه اجتهاد رسید و تقریرات مرحوم ریزی را که حاوی ده هزار سطر بود، به نگارش در آورد.

شهید مدرّس، پس از اتمام تحصیلات در اصفهان، در شعبان ۱۳۱۱ ه. ق وارد نجف اشرف شد و پس از زیارت بارگاه مقدس نخستین فروغ امامت و تشرف به حضور آیه الله میرزای شیرازی، در مدرسه منسوب به صدر سکونت اختیار نمود و با عارف نامدار حاج شیخ حسینعلی اصفهانی هم حجره گردید. مدرّس در این شهر از جلسه درس آیات عظام: سید محمد فشارکی و شریعت اصفهانی بهره برد و با سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد صادق طباطبایی، شیخ عبدالکریم حائری، سید هبة الدین شهرستانی و سید مصطفی کاشانی ارتباط داشت و مباحثه های دروس خارج را با آیه الله

۱. ر. ک: مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۰ ش، صص ۱۶۰-۱۶۱.

زورمداران مخالفت کرد و بدین نحو وظیفه خویش را در تبلیغ عملی دین آغاز نمود.

شهید سید حسن مدرّس که در سنین جوانی به مقام رفیع اجتهاد رسید، از لحاظ علمی و فقهی مجتهدی جامع الشرائط، صاحب فتوا و شایسته تقلید بود و هر چند حاضر به چاپ رساله عملیه نشد؛ ولی در فقه و اصول و سایر علوم دینی آثاری مفصل و عمیق از خود به یادگار نهاد. در عظمت آثار قلمی ایشان همین بس که آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله تألیفات فقهی او راستوده است.<sup>۱</sup>

چندی بعد، مدرّس با ورود به تهران در اولین فرصت، درس خود را در ایوان زیسر ساعت در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) آغاز نمود. وی در ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۴ ه. ش که عهده دار تولیت این مدرسه گشت، برای اینکه طلاب علوم دینی از اوقات خود استفاده بیش تری ببرند و با جدیت افزون تری به کار درس و مباحثه پردازند، برای اولین بار طرح امتحان طلاب را به مرحله اجرا

درآورد و به منظور حسن اداره این مدرسه، نظام نامه‌ای تدوین کرد و امور تحصیلی طلاب را مورد رسیدگی قرار داد. شخصیهایی چون: آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، آیه الله سید مرتضی پسندیده (برادر بزرگتر حضرت امام) و شیخ محمدعلی لواسانی در این مدرسه تربیت شدند.<sup>۲</sup>

شهید مدرّس، اولین کسی بود که تدریس نهج البلاغه را در حوزه‌های علمیه رسمی کرد و نخستین مجتهدی بود که این کتاب را جزء متون درسی طلاب قرار داد. افرادی نظیر آیه الله العظمی بروجردی و حاج میرزا آقا علی شیرازی (استاد شهید مطهری)، نهج البلاغه را نزد او آموختند.

۱. تألیفات ایشان بالغ بر ۱۶ اثر است که هر یک در مقام خود ستودنی هستند. از آن میان، می‌توان به این آثار اشاره کرد: تعلیقه بر کفایة الاصول آخوند خراسانی، رسائل الفقهیه که به کوشش استاد ابوالفضل شکوری به تازگی انتشار یافته است، شرح رسائل شیخ مرتضی انصاری، دوره تقریرات اصول میرزای شیرازی، شرح روان بر نهج البلاغه و زندگی نامه خودنوشت که برای روزنامه اطلاعات فرستاده است.

۲. ر. ک: مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، ص

در دوره دوم مجلس از سوی فقها و مراجع تقلید، شهید مدرّس به عنوان مجتهد طراز اول برگزیده شد تا به همراه چهار نفر از مجتهدان دیگر به مجلس رفته، بر قوانین مصوب آن نظارت داشته باشد. در دوره سوم مجلس شورای ملی، وی علاوه بر وظیفه نظارتی، سمت نمایندگی مردم تهران را نیز عهده‌دار شد. و در دوره چهارم، مدرّس به عنوان نایب رئیس انتخاب شد و در همین دوره بود که رویاروی حریف قلدری چون رضاخان قرار گرفت و با او به مخالفت برخاست و تا لحظه شهادت، ذره‌ای عقب‌نشینی نکرد.

البته شایان ذکر است مخالفت‌هایی را که شهید مدرّس در مقابل نیرنگ‌های رضاخان از خود نشان می‌داد، حاصل بینشی عمیق بود که تذکرات استاد برجسته اخلاق و عرفان، حضرت آیه الله میرزا محمد علی شاه‌آبادی در آن بی‌تأثیر نبود. ایشان بارها به شهید مدرّس فرموده بود: «این مردک الآن که

از کارهای مهم و درخور توجه این فقیه فرزانه، تلاش برای تدوین تفسیری جامع برای قرآن کریم بود که علاوه بر جمع‌آوری تفاسیر خطی و چاپی، عده‌ای از دانشمندان را برای نیل بدین مقصود به همکاری دعوت کرد و در صورتی که این طرح تفصیلی جامع به اجرا در می‌آمد، روشی بسیار عالی و سبکی تازه و عمیق بود. مدرّس مدت‌ها فلسفه تدریس می‌کرد و در عرفان مهارت داشت. وی در زندان خواب برای عده‌ای از مأموران قلعه‌ای که در آن به سر می‌برد، مثنوی را تفسیر می‌کرد.<sup>۱</sup>

### مدرّس و سیاست

در اصل دوم متمم قانون اساسی آن زمان ایران پیش بینی شده بود که قوانین مصوبه مجلس شورای ملی باید زیر نظر هیئتی از علما و مجتهدان طراز اول باشد. به موجب این اصل، در هر دوره می‌بایست حداقل پنج نفر از مجتهدان در مجلس حضور داشته و بر قوانین مجلس ناظر باشند و مفاد آن را از نظر شرعی به تأیید برسانند و امضا نمایند.

۱. ر.ک: مدرّس، علی مدرّسی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۲۶۸.

تابستان به روستاهای اطراف ورامین می‌رفت و قنات روستاهای این منطقه را مورد بازدید قرار می‌داد و گاه به داخل چاهها می‌رفت و در تعمیر آنها همکاری می‌کرد تا بدین نحو به شاگردان خویش بیاموزد که تحصیل و تدریس علوم دینی باید همراه با مجاهدت و کار و توجه به زندگی اطرافیان باشد.

یکی از ویژگیهای بارز شهید مدرّس، ساده‌زیستی بود. ایشان همواره بیش تر از آنکه به ظاهر توجه نمایند، مشغول باطن و توجه به پروردگار عالمیان می‌گشت.

نقل می‌کنند در آن هنگام که ایشان به عنوان مجتهد طراز اول، برای نظارت بر قوانین دومین دوره مجلس شورای ملی عازم تهران بود، در قم

به قدرت نرسیده است، این چنین به دست بوس علما و مراجع می‌رود و تظاهر به دینداری می‌کند و از محبت اهل بیت علیهم‌السلام دم می‌زند؛ لکن به محض آنکه به قدرت رسید، به همه علما پشت می‌کند و اول کسی را هم که لگد می‌زند، خود شما هستید.<sup>۱</sup>

به راستی وقتی که مدرّس قدم به ساحت مجلس گذاشت، بعضی فکر می‌کردند که او یک روحانی معمولی است و باور نمی‌کردند که به زودی تمام امور را به دست گیرد و در بحث و استدلال، کسی حریفش نشود. او با رهبری مبارزات در مجلس، بزرگ‌ترین قدرت استعماری زمان خود، یعنی انگلستان را به زانو درآورد؛ ولی با نهایت تواضع چنین افتخاری را به ملت ایران نسبت داد.<sup>۲</sup>

### مدرّس و تبلیغ عملی

یکی از مجاهدتهای شهید مدرّس در عرصه تبلیغ عملی، زحمات طاقت‌فرسایی بود که برای احیاء و آبادانی روستاها و مغازه‌های موقوفه و ... تحمل کرد. ایشان، عصرهای پنجشنبه اغلب در گرمای شدید

۱. عارف کامل (نکات و آموزه‌هایی از مرحوم آیه الله العظمی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی)، تحقیق و تألیف: معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه‌آبادی، تهران، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶.

۲. برای مطالعه بیش تر در زمینه مبارزات شهید مدرّس در مجلس شورای ملی، ر.ک: مدرّس، ج ۱.

وظیفه خویش را در قبال مردم به انجام برساند و در مقابل این انجام وظیفه هیچ چشم‌داشتی نداشته باشد. برای همین، تمام مشکلات و مصائب را با آغوش باز پذیرا بود. وی در یکی از سفرهای خود، یک شب به همراه دوستانش ناگزیر شد که شب را در بیابان بگذرانند. آنها برای خوابیدن رختخواب نداشتند و ناچار بودند بر روی زمین بخوابند. به هنگام خوابیدن، یکی از دوستان مدرّس در حال شکوه به او گفت: الآن مردم ایران در رختخوابهای گرم و نرم خوابیده‌اند و نمی‌دانند که ما به خاطر آنها چه می‌کشیم. مدرّس با شنیدن این حرف برافروخته شد و با پرخاش خطاب به دوستش گفت: «شما چه انتظار داشتید؟ مگر ما به خاطر آنها این کارها را می‌کنیم؟ ما وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم.»<sup>۲</sup>

مدرّس از زبان امام خمینی علیه السلام

آنچه عزت، عظمت و شخصیت

توقف کوتاهی داشت و به منزل آقا سید عبدالله برقی مجتهد - که تولیت آستان مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را بر عهده داشت و در ایام تحصیلات در نجف با مدرّس آشنا شده بود - رفت و چند روزی را در آنجا اقامت داشت. در طول این مدت کوتاه، جمعی از علما و اساتید حوزه علمیه قم به دیدن مدرّس می‌رفتند. آیه الله حاج سید محمد بهبهانی (فرزند آیه الله سید عبدالله بهبهانی و شاگرد حکیم میرزا ابوالحسن جلوه زواره‌ای) از جمله شخصیت‌هایی بود که به دیدار مدرّس رفت و او را با همان لباس ساده کرباس ملاقات نمود. مرحوم بهبهانی در حالی که لبخندی بر لب داشت، به شوخی خطاب به مدرّس گفت: آقا! شما نماینده طراز اول در مجلس شورا می‌باشید؛ صلاح نمی‌دانید که لباسها را عوض کنید؟ مدرّس در جواب وی گفت: «شخصیت انسان به لباس و ظاهر آدمی نیست، به فهم و درک و اندیشه اوست.»<sup>۱</sup>

شهید سید حسن مدرّس، در تمام لحظات زندگی پربارش بر آن بود که

۱. داستانهای مدرّس، غلامرضا گلی زواره، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۱۷.  
۲. همان، ص ۱۵۳.

**یکی از ویژگیهای بارز شهید مدرّس، ساده‌زیستی بود. ایشان همواره بیش‌تر از آنکه به ظاهر توجه نماید، مشغول باطن و توجه به پروردگار عالمیان می‌گشت**

کشید و حق را گفت و جنایت را آشکار کرد و مجال را بر رضاخان کذایی تنگ و روزگارشان را سیاه کرد و عاقبت جان طاهر خود را در راه اسلام عزیز و ملت شریف نثار کرد و به دست دژخیمان ستمشاهی در غربت به شهادت رسید و به اجداد طاهربینش پیوست. ... تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی‌تواند درک کند. ملت ما مرهون خدمات و فداکاریهای اوست. و اینک که با سربلندی از بین مارفته است، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هر چه بیش‌تر بشناسیم و بشناسانیم...»<sup>۱</sup>

والای شهید مدرّس را بیش از پیش از پیش نمایان می‌سازد، کلامی است که حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد ایشان فرمودند. ایشان طی پیامی به آقای واعظ طبسی، برای تعمیر و بازسازی آرامگاه شهید مدرّس بیان داشتند: «در عصر شکوفایی انقلاب اسلامی، بزرگداشت مجاهدی عظیم الشان و متعهدی برومند و عالم بزرگواری که در دوران سیاه اختناق رضاخانی می‌زیست، لازم می‌باشد؛ زیرا در زمانی که قلمها شکسته و زبانها بسته و گلوها فشرده شده بود، او از اظهار حق و ابطال باطل دریغ نمی‌کرد. در آن روزگار، در حقیقت حیات از ملت مظلوم ایران سلب شده بود و میدان تاخت و تاز قلدری هتاک در سطح کشور باز، و دست مزدوران پلیدش در سراسر ایران تا مرفق به خون عزیزان آزاده وطن و علمای اعلام و طبقات مختلف آغشته بود.

این عالم ضعیف الجثه، با جسمی نحیف و روحی بزرگ و شاداب از ایمان و صفا و حقیقت و زبانی چون شمشیر حیدر کزار، رویارویشان ایستاد و فریاد

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، صص ۷۳-۷۴.